

سید محمد کاظم حنیف الکریمی

STATE LIBRARY

حسن می کار پروازان مطبع

کتابخانه

تتمل از ۲۰۰ جلد کتب در ۱۰۰ جلد

بابت تمام محمد حسین تقی لیطبع

سید محمد علی

سید محمد رفیع الدین

۱۰۰

مستطاب

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

شمال و شمال

سید بن ابی طالب

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم

مامی کو دبا بونہ فرات ہے بتوفیق خداوندی
 اختیار لفظ ہی تجھت استمرارت ۱۲ این صرع الحقیقت ۱۲

حُسَيْدٌ حَافِدٌ فَحَفِدَ حَاسِنُهُ مَا حَرَّكَ الشَّمَالُ الْخَلْ

الدَّقِيقُ وَتَحَرُّكَ الشَّمَالُ لِفَخْلِ الدَّقِيقِ كَصَبِيَّانِ مِثْلِ

و اما در اینک بحسب حدیث برای چنانکه برآمد
 رغبت می افند با شعرا فارسی چون شاعران شهر طبعها

وَعَلَّمَ نَحْنُ كَلِمَةً عَمَّا هِيَ أَيْسَرُ رِيٍّ وَنَحْنُ كَرَمُ

[illegible]

بای کلف یاد لید و چند بیت که شایع بود و هر خبری را از علوم متفرقه
 در میان این قطعه ها در آوردم تا بهوشن خواندن این نسخه هر کسی اغب
 افتد چون این مجموعه دوست و بیست بیت آمد از انصاب صبیان بگویم

القطعة الأولى في بحر التقارب المثنى المقصود

بحر تقارب تقرب نمای بدین زن میزان طبع ازما
 فعولن فعولن فعولن فعولن چو کشتی بکوی ایام دل بای
 الیه است والله و زمین حیدر دلیل است تو کوهر است
 سما و آسمان رخص و غیر ازین محل و مکان و مکان است
 ستم و وزخ و نار است لعل جنت بهشت آخرت است
 پیشش قضا حیر و ویران فخران عجب ایستاده رطل پای
 سخت لسان چه بان فم و جان ید و جارحه دست و خلق و نما

این قطعه را در میان این نسخه ها در آوردم تا بهوشن خواندن این نسخه هر کسی اغب
 افتد چون این مجموعه دوست و بیست بیت آمد از انصاب صبیان بگویم
 این قطعه را در میان این نسخه ها در آوردم تا بهوشن خواندن این نسخه هر کسی اغب
 افتد چون این مجموعه دوست و بیست بیت آمد از انصاب صبیان بگویم

این قطعه را در میان این نسخه ها در آوردم تا بهوشن خواندن این نسخه هر کسی اغب
 افتد چون این مجموعه دوست و بیست بیت آمد از انصاب صبیان بگویم

لَقَدْ طَقَّه النَّاسُ فِي حَبْسِ الرِّمْلِ لِمَثْنِ الْحَمْدِ وَف

امی بر باریکی میان پیموئی که غنچه از رشک هانت میخور و چون یک

فا علاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن خیزد بر رمل این قلعه اخوان

خیزد گردن صد پسته که آفرین تو بجامه زرق وری او تو شمع

عرش شرف غایت گل سرمدی که حسن بی قبح شتی کاف خنک

پس نهان گردن رخسار و چشم جبهه مار و حوت کلمه مرغ و نیش

چشم نیم آفتاب حاجب از دست و رخسار و چشم نیم آفتاب

درین و درین و درین و درین و درین و درین و درین و درین

تبارق و شرف کار و لوح و خط و خط و خط و خط و خط و خط

نیک بخت قبله بوسه مهر وین وین وین وین وین وین وین وین

خطه که مژنه آفرین چرخ و چرخ و چرخ و چرخ و چرخ و چرخ و چرخ

وین وین وین وین وین وین وین وین وین وین وین وین وین وین

لَقَدْ طَقَّه النَّاسُ فِي حَبْسِ الرِّمْلِ لِمَثْنِ الْحَمْدِ وَف
امی بر باریکی میان پیموئی که غنچه از رشک هانت میخور و چون یک
فا علاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن
خیزد گردن صد پسته که آفرین تو بجامه زرق وری او تو شمع
عرش شرف غایت گل سرمدی که حسن بی قبح شتی کاف خنک
پس نهان گردن رخسار و چشم جبهه مار و حوت کلمه مرغ و نیش
چشم نیم آفتاب حاجب از دست و رخسار و چشم نیم آفتاب
درین و درین و درین و درین و درین و درین و درین و درین
تبارق و شرف کار و لوح و خط و خط و خط و خط و خط و خط
نیک بخت قبله بوسه مهر وین وین وین وین وین وین وین وین
خطه که مژنه آفرین چرخ و چرخ و چرخ و چرخ و چرخ و چرخ و چرخ
وین وین وین وین وین وین وین وین وین وین وین وین وین وین

قیل سلوک بقی شیطانی حمار آموخت
 غایت یاران بی برکت و بی نیکوکار
 فرزند حماره کلان داند حارث
 سکه لوح و دروازہ آب میغیر کند
 الطیاره آرد داند و ابطلان است
 خدوہ ان حماره تشنگی میکار
 القطة الرابعة بحر المحبت من المقصود

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

۱۰
 شین بجهو
 طای شندو
 ۱۲
 فقه نفع ضار
 وفار شندو
 وکب ضادیم
 ۱۴
 عوفه را حبیب
 صاحب حبیب
 ۱۵
 نیکو بیدار و فو
 ۱۶
 مردوزن بکاره
 بالا خانه و حجره
 ۱۷
 بالای حجره دریا
 را بنیکو نیکو
 ۱۸
 مشغول خانه
 از اینجا نیز
 ۱۹
 شند تو شند
 ۲۰
 پس بگویم
 ۲۱
 غرض در درون
 کرده مردان
 ۲۲
 در درون خود
 ۲۳
 غرض خود
 ۲۴
 معنی
 ۲۵
 سنا الی این

[illegible]

شمامه عطر بود بوی بوی آن چمن ^{۱۲} عطر بود ^{۱۲} عطر بود ^{۱۲}

تصاحف است گرفتن دست یکدیگر ^{۱۲} عطر بود ^{۱۲} عطر بود ^{۱۲}

خیمه شسته و نسوخته ^{۱۲} عطر بود ^{۱۲} عطر بود ^{۱۲}

عنوان و تیکه لم عووب شو بود ^{۱۲} عطر بود ^{۱۲} عطر بود ^{۱۲}

مرح جای شسته بر نصبت جانم ^{۱۲} عطر بود ^{۱۲} عطر بود ^{۱۲}

قضیم آن جو خرم مغلط آخور ^{۱۲} عطر بود ^{۱۲} عطر بود ^{۱۲}

القطعة الخامسة في بحر المحبت المشتمل المجدو

بریز و صدف سینه نهر پر ^{۱۲} عطر بود ^{۱۲} عطر بود ^{۱۲}

مفعلن فعلن مفعلن ^{۱۲} عطر بود ^{۱۲} عطر بود ^{۱۲}

قرین و کریم خیم است و این ^{۱۲} عطر بود ^{۱۲} عطر بود ^{۱۲}

رحم قرابت و زهدان بوختن و امد ^{۱۲} عطر بود ^{۱۲} عطر بود ^{۱۲}

و کید و طفل کجایم و والد و امد ^{۱۲} عطر بود ^{۱۲} عطر بود ^{۱۲}

چنانکه صهر خسر و والد و اب ^{۱۲} عطر بود ^{۱۲} عطر بود ^{۱۲}

بد و قصر تو ما و در کلاب شمار ^{۱۲} عطر بود ^{۱۲} عطر بود ^{۱۲}

تعاقد است گرفتن لبا و خمر کن ^{۱۲} عطر بود ^{۱۲} عطر بود ^{۱۲}

ذلول امد و سن خیمه و لفظ بیدار ^{۱۲} عطر بود ^{۱۲} عطر بود ^{۱۲}

فرام برده باریک و کنگه بند ازار ^{۱۲} عطر بود ^{۱۲} عطر بود ^{۱۲}

فناس و ان و جاران هو و کفتار ^{۱۲} عطر بود ^{۱۲} عطر بود ^{۱۲}

علیقه تو بره نشوار و جره نیمه نشوار ^{۱۲} عطر بود ^{۱۲} عطر بود ^{۱۲}

ز بحر و گلش محبت سفینه های هر ^{۱۲} عطر بود ^{۱۲} عطر بود ^{۱۲}

بخوان بعد و ی این قطعه نصایب ^{۱۲} عطر بود ^{۱۲} عطر بود ^{۱۲}

و کید و طفل کجایم و والد و امد ^{۱۲} عطر بود ^{۱۲} عطر بود ^{۱۲}

چنانکه صهر خسر و والد و اب ^{۱۲} عطر بود ^{۱۲} عطر بود ^{۱۲}

و کید و طفل کجایم و والد و امد ^{۱۲} عطر بود ^{۱۲} عطر بود ^{۱۲}

چنانکه صهر خسر و والد و اب ^{۱۲} عطر بود ^{۱۲} عطر بود ^{۱۲}

جمله بنیم و خمر کن ^{۱۲} عطر بود ^{۱۲} عطر بود ^{۱۲}

عطر بود ^{۱۲} عطر بود ^{۱۲} عطر بود ^{۱۲}

[illegible]

حَطَبٌ بِمِزْمٍ سَبَّ وَضُرْمٌ وَغُ
مُنَاصٌ وَمَفْرَجٌ جَائِي بِكَرْبٍ خَيْرٌ

حکم و اور و مخمہ جاب او
 ۴ ف ۲ ۴ ف ۲

وَمَا بَ وَحْيِي رَفَعْتَن وَأَمِنَ

القطعة العاشرة

وَأَفْئَابُ لِقَا

وَالْعَالَمِينَ

وَعَنْ اِزْرِالِي وَحَشِي تَاب

جواب نص سید است اسو و سید
ر لیم است و بر قلب است چا
خطا و نب و جرم است غصبا

فروزیه غیب کلوان گیاه
سعاد و ملاذ است و ملجاینا

ولی بنیہ سچو شاہد گواہ

جست یا گشتن سباحه

سيف المسدس المخدو

وزن بحر خفیف جُست از ما

لَقُتِمَ اَيْنِ بَيْتِ وَاِنْ خُذَانِ مَلَا

این کو کف چون ام و او

فِي دَرْبِ وَعَلَى بَرٍّ وَعَلَى حَبِيبٍ
وَنَارِئِشَا وَارِئِشَا
فِي دَرْبِ وَعَلَى بَرٍّ وَعَلَى حَبِيبٍ
وَنَارِئِشَا وَارِئِشَا

أَنَا جُونِئِي وَارِئِي مَنْ
أَنْتَ تَوَأْنَتْ زَيْنَ لِي تَهْنَأُ
أَنَا جُونِئِي وَارِئِي مَنْ
أَنْتَ تَوَأْنَتْ زَيْنَ لِي تَهْنَأُ

إِنْ وَلَوْ كَيْفَ مَنَّى كِي وَلَانِي
لَمْ يَكُنْ مَنَّى كِي وَلَانِي
إِنْ وَلَوْ كَيْفَ مَنَّى كِي وَلَانِي
لَمْ يَكُنْ مَنَّى كِي وَلَانِي

صَهْ كَوْنِي مَكْنِي دَعِ وَدَرِيَانِ
مَدْرَاوَدِ وَدَرِيَانِ
صَهْ كَوْنِي مَكْنِي دَعِ وَدَرِيَانِ
مَدْرَاوَدِ وَدَرِيَانِ

تَلْكَ أَنْ زَيْنَ جَوْدِ كَيْفَ سَتِ
رُحْبَهُ وَرَبَّاهُ وَرَتِ
تَلْكَ أَنْ زَيْنَ جَوْدِ كَيْفَ سَتِ
رُحْبَهُ وَرَبَّاهُ وَرَتِ

مَدْرَاوَدِ زَيْنَ زَمَانِ بَرَّتِ
أَهْلَاوَانِي وَوَرْتِ
مَدْرَاوَدِ زَيْنَ زَمَانِ بَرَّتِ
أَهْلَاوَانِي وَوَرْتِ

مَهْلَا بَسْتَمِ بَاشْ وَأَخُوشِ
كَلْمَا أَيْدِ كَاوَنِ خِيَا
مَهْلَا بَسْتَمِ بَاشْ وَأَخُوشِ
كَلْمَا أَيْدِ كَاوَنِ خِيَا

[illegible]

القطعة الثانية عشرة من بحر الرمل المسمى بالمقصود

اسی قدس و خرامان و ہی خاتم
 ساز و بحر مل بار و کر و مقام
 فاعلان فاعلان فاعلان فاعلان
 فاعلان فاعلان فاعلان فاعلان
 قرم و عطف و حلا حل سید و نام
 حق و ساحت کار و قول و فعل و نام
 سب و کرم و عطف و حلا حل سید و نام
 حق و ساحت کار و قول و فعل و نام
 سب و کرم و عطف و حلا حل سید و نام
 حق و ساحت کار و قول و فعل و نام

کتابت مصدر به باب
تفضل بفرستی شش
اکابر یعنی شیخ
دیوایی برجهست
آیت زانکه
گویند ۱۲ است
خوره یعنی دل
وثالث و ثانی
معدوله نام
مرضی است
بهنگام بزنی
خدمت خوانده
فصل
در لفظ هوان
نامل اسبچا که
رزان کسرها
ودال مهمل در
کتب نسخ
انحنی و کرانیک
و بعضی گویند
یا بود برای
ضرب در چشم
یار اخذ کردند
۱۲ مولوی
سناء الدین
سکه الله تعالی

لَوْنِ نَيْلِ رُوحِ بَوْنِ مَدُونِ عَيْنِ
نَوْمِ خَوْنِ مَشِي فَنِ عَدُوْرِ حُلُوْمِ
زَبَدِ مَسْكِ دَنِ غَمِ قَطَنِ مَنِي صَوْنِ
لَفْتِ تَلَفِ قَطَنِ زَبَدِ كَشْتِ نَجْمِ
تَقَرُّوْرِنِ مُرْسِ نَدَانِ ظَهْرِ حُلُوْمِ
اَوْمِ اَنْشِي اِنْسَانِ دَوْمِ وَجْهِ رِ
اَصْبَحْ نَكِشْتِ بِلِكِ اَبْهَامِ
سَقْمِ بَارِي وَجْهِ تَنْدَرِ حَسِي كَرِ
الْقِطْعَةُ الثَّالِثَةُ عَشْرُ فِي سَجَرِ الْمَجْتَمِعِ الْمَقْصُوْدِ
زَهِي بِجَالِ تَوَامِرِ زَبَرِ دُمِي رُزْرِ
مُفَاعِلِنِ وَاَهْلِيْنَ مُفَاعِلِنِ فَعْلَا
مُبَارِزِ رُطْبِ اِبْلِ وَشَجَاعِ دَلِ
چَرَا خَدَنَكِ تَوَا مَدِ بَسْمَةِ دِرْ بَدِ
بَلَوِي مَجْتَمِعِ وَتَكُنْ شَرْمِ سَرْدِ
شَعْرِ صُرَّةِ كِلَانِ اَسْتِ جَانِ
زَهِي بِجَالِ تَوَامِرِ زَبَرِ دُمِي رُزْرِ
مُفَاعِلِنِ وَاَهْلِيْنَ مُفَاعِلِنِ فَعْلَا
مُبَارِزِ رُطْبِ اِبْلِ وَشَجَاعِ دَلِ
چَرَا خَدَنَكِ تَوَا مَدِ بَسْمَةِ دِرْ بَدِ
بَلَوِي مَجْتَمِعِ وَتَكُنْ شَرْمِ سَرْدِ
شَعْرِ صُرَّةِ كِلَانِ اَسْتِ جَانِ

بِأَمْرِ حَبِشَةٍ خَفِصَتْهُ بُرُودُ زَيْتٍ يَمُوتُ مِنْ حَبِشَةٍ سَوَّاهُ أَمَّ شَلَهْ

الْقِطْعَةُ السَّادِسَةُ عَشْرُ فِي سَجْرِ النَّجَّ فِي إِيَّامِ الْأَوَّلِيِّ

در وصل تو از بحر دل اندر بیم است
وز تیغ جفا می نعل دل نویسم
مفعول مفاعیلین فاع
بحر مزج آخر بارین تقسیم

فَرَزَنْدِ بَنی قَاسِم و اَباسیت ^{در اسلام ترویج شده}
 بِسَاطِطِ وَرَقِیَّه اَمِّ کَلتو ^{شاه سبزه ابرو داران ۱۳} م
 پس طَبِیب طاکم ز و ر قَاسِم ^{پسر طاکم طابک بن عبد الله ۱۲}
 زَنَبِ شَمَر اَر تَاسِیَم ^{انچه از اولاد طاکم از سر طاکم ۱۳}

لِقِطْعَةِ السَّابِعَةِ عَشْرٍ فِي بَحْرِ النُّجَى فِي سَامِي السُّوُلِيَّةِ

می‌قد تو دلکش جان مژروا وزیر شکفت و خجل درستان

فَعُولٌ مَفَاعِلٌ مَفَاعِلُنْ فَعٌ

روحه و اسماک مدنی میدان

سبحانك يا ذا الجلال والإكرام

...فانما هو الذي لا يملكه الا الله تعالى ...

القطعة الثامنة عشرة في بحر المضاع في أسامي إلى النبي

ای شیخ شہناز خورشید کو کہہ

مَفْعُولٌ فَأَعْلَمَاتُ مَفَاعِلٍ فَأَعْلَمُ

مَوَکَلِی دوازده است نبی ایکی شبهه و کفر فضاله آنکه نه بیج است شبهه

تو بمان رجا و صاحب دگر یار روز
بهر روز باغ و بهار و بهار و بهار

القطعة التاسعة عشرة في سحر التقارب في سامي آية الله

زبجی شہد مہم بالہام مہم

مَعْمُولٌ مَعْمُولٌ مَعْمُولٌ مَعْمُولٌ مَعْمُولٌ
زبحر تعارب بخوان امی معلوم

خدا ایش بد او آبخمان ملک

لحمه و ناعمر و شق و انكه

القطعة العشر في بحر تخفيف في سامي وجامع الكفا

۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰

۱۰۰

بشعواى غيرت به افلاک

وزن بجز خيف روشن پاک

فا علاش نفاعلن فعلات

دروهای کز همت دل غناک

خشن و لاوع است و اعيا

خدری و ممد و وحاک

ناشن خود کاسه و غطا

وان مفسخ کز و عضل شد چاک

نه مان و نقل و ناقب باز

وان سلی کز همت اصل پاک

القطعة الحادية والعشرون فی البحر النج فی سالی الشهورة

بدان ای کل که روت نوبهار

هزج بحر لطیف و آبدار است

نفاعلن نفاعلن نفاعل

شهور روم این نشت چهار

و نفعین و نفعین و نفعین

شیاط اوزار و نفعین و آبدار

و نفعین و نفعین و نفعین

نعمه ارش که از من یاد کار

القطعة الثانية الثمن فی البحر النج فی سالی الشهرة

و نفعین و نفعین و نفعین

و نفعین و نفعین و نفعین

و نفعین و نفعین و نفعین

و نفعین و نفعین و نفعین

فَاعْلَامُنْ مَفَاعِلُنْ فِعْلَاتْ خَانَمَائِيْ بِخَوْمِ سَبْعَمْ

حَلَّ وَعَقَبَ بَست بِاَ بَهرام قوس و حوت بَست مُشری رام

تو رو میزبان چو خانه زهر است ^{آسان بود} مرز خل است جدی دلققا

میر جوزا و خوشه مه سلطان خانہ آفتاب شیر مدام

لِقِطْعَةِ الْخَامِسَةِ الْعَشْرِينَ فِي كِتَابِ خَفِيفِ اسْتِقْرَارِ الْأَرْجَاءِ

ی ری رشک ماه و غلام کسرت
حوضت بوقت ارش

اعلا تتر، مفاعله، فعالات

الحمد لله الذي جعل في كل شيء حكمة

در باره چورانی دوی بی ا

و دیگران گویند که در این کتاب است و نه فوس بجای لی لم و

قطعه سادۀ نغمه‌نگار بی‌سان سر ابراهیم ام

نامی اسنان این تقارباً چو خوالی و کردی زین علم فارغ

۱۳۳۳
 ۱۳۳۴
 ۱۳۳۵
 ۱۳۳۶
 ۱۳۳۷
 ۱۳۳۸
 ۱۳۳۹
 ۱۳۴۰
 ۱۳۴۱
 ۱۳۴۲
 ۱۳۴۳
 ۱۳۴۴
 ۱۳۴۵
 ۱۳۴۶
 ۱۳۴۷
 ۱۳۴۸
 ۱۳۴۹
 ۱۳۵۰
 ۱۳۵۱
 ۱۳۵۲
 ۱۳۵۳
 ۱۳۵۴
 ۱۳۵۵
 ۱۳۵۶
 ۱۳۵۷
 ۱۳۵۸
 ۱۳۵۹
 ۱۳۶۰
 ۱۳۶۱
 ۱۳۶۲
 ۱۳۶۳
 ۱۳۶۴
 ۱۳۶۵
 ۱۳۶۶
 ۱۳۶۷
 ۱۳۶۸
 ۱۳۶۹
 ۱۳۷۰
 ۱۳۷۱
 ۱۳۷۲
 ۱۳۷۳
 ۱۳۷۴
 ۱۳۷۵
 ۱۳۷۶
 ۱۳۷۷
 ۱۳۷۸
 ۱۳۷۹
 ۱۳۸۰
 ۱۳۸۱
 ۱۳۸۲
 ۱۳۸۳
 ۱۳۸۴
 ۱۳۸۵
 ۱۳۸۶
 ۱۳۸۷
 ۱۳۸۸
 ۱۳۸۹
 ۱۳۹۰
 ۱۳۹۱
 ۱۳۹۲
 ۱۳۹۳
 ۱۳۹۴
 ۱۳۹۵
 ۱۳۹۶
 ۱۳۹۷
 ۱۳۹۸
 ۱۳۹۹
 ۱۴۰۰
 ۱۴۰۱
 ۱۴۰۲
 ۱۴۰۳
 ۱۴۰۴
 ۱۴۰۵
 ۱۴۰۶
 ۱۴۰۷
 ۱۴۰۸
 ۱۴۰۹
 ۱۴۱۰
 ۱۴۱۱
 ۱۴۱۲
 ۱۴۱۳
 ۱۴۱۴
 ۱۴۱۵
 ۱۴۱۶
 ۱۴۱۷
 ۱۴۱۸
 ۱۴۱۹
 ۱۴۲۰
 ۱۴۲۱
 ۱۴۲۲
 ۱۴۲۳
 ۱۴۲۴
 ۱۴۲۵
 ۱۴۲۶
 ۱۴۲۷
 ۱۴۲۸
 ۱۴۲۹
 ۱۴۳۰
 ۱۴۳۱
 ۱۴۳۲
 ۱۴۳۳
 ۱۴۳۴
 ۱۴۳۵
 ۱۴۳۶
 ۱۴۳۷
 ۱۴۳۸
 ۱۴۳۹
 ۱۴۴۰
 ۱۴۴۱
 ۱۴۴۲
 ۱۴۴۳
 ۱۴۴۴
 ۱۴۴۵
 ۱۴۴۶
 ۱۴۴۷
 ۱۴۴۸
 ۱۴۴۹
 ۱۴۵۰
 ۱۴۵۱
 ۱۴۵۲
 ۱۴۵۳
 ۱۴۵۴
 ۱۴۵۵
 ۱۴۵۶
 ۱۴۵۷
 ۱۴۵۸
 ۱۴۵۹
 ۱۴۶۰
 ۱۴۶۱
 ۱۴۶۲
 ۱۴۶۳
 ۱۴۶۴
 ۱۴۶۵
 ۱۴۶۶
 ۱۴۶۷
 ۱۴۶۸
 ۱۴۶۹
 ۱۴۷۰
 ۱۴۷۱
 ۱۴۷۲
 ۱۴۷۳
 ۱۴۷۴
 ۱۴۷۵
 ۱۴۷۶
 ۱۴۷۷
 ۱۴۷۸
 ۱۴۷۹
 ۱۴۸۰
 ۱۴۸۱
 ۱۴۸۲
 ۱۴۸۳
 ۱۴۸۴
 ۱۴۸۵
 ۱۴۸۶
 ۱۴۸۷
 ۱۴۸۸
 ۱۴۸۹
 ۱۴۹۰
 ۱۴۹۱
 ۱۴۹۲
 ۱۴۹۳
 ۱۴۹۴
 ۱۴۹۵
 ۱۴۹۶
 ۱۴۹۷
 ۱۴۹۸
 ۱۴۹۹
 ۱۵۰۰
 ۱۵۰۱
 ۱۵۰۲
 ۱۵۰۳
 ۱۵۰۴
 ۱۵۰۵
 ۱۵۰۶
 ۱۵۰۷
 ۱۵۰۸
 ۱۵۰۹
 ۱۵۱۰
 ۱۵۱۱
 ۱۵۱۲
 ۱۵۱۳
 ۱۵۱۴
 ۱۵۱۵
 ۱۵۱۶
 ۱۵۱۷
 ۱۵۱۸
 ۱۵۱۹
 ۱۵۲۰
 ۱۵۲۱
 ۱۵۲۲
 ۱۵۲۳
 ۱۵۲۴
 ۱۵۲۵
 ۱۵۲۶
 ۱۵۲۷
 ۱۵۲۸
 ۱۵۲۹
 ۱۵۳۰
 ۱۵۳۱
 ۱۵۳۲
 ۱۵۳۳
 ۱۵۳۴
 ۱۵۳۵
 ۱۵۳۶
 ۱۵۳۷
 ۱۵۳۸
 ۱۵۳۹
 ۱۵۴۰
 ۱۵۴۱
 ۱۵۴۲
 ۱۵۴۳
 ۱۵۴۴
 ۱۵۴۵
 ۱۵۴۶
 ۱۵۴۷
 ۱۵۴۸
 ۱۵۴۹
 ۱۵۵۰
 ۱۵۵۱
 ۱۵۵۲
 ۱۵۵۳
 ۱۵۵۴
 ۱۵۵۵
 ۱۵۵۶
 ۱۵۵۷
 ۱۵۵۸
 ۱۵۵۹
 ۱۵۶۰
 ۱۵۶۱
 ۱۵۶۲
 ۱۵۶۳
 ۱۵۶۴
 ۱۵۶۵
 ۱۵۶۶
 ۱۵۶۷
 ۱۵۶۸
 ۱۵۶۹
 ۱۵۷۰
 ۱۵۷۱
 ۱۵۷۲
 ۱۵۷۳
 ۱۵۷۴
 ۱۵۷۵
 ۱۵۷۶
 ۱۵۷۷
 ۱۵۷۸
 ۱۵۷۹
 ۱۵۸۰
 ۱۵۸۱
 ۱۵۸۲
 ۱۵۸۳
 ۱۵۸۴
 ۱۵۸۵
 ۱۵۸۶
 ۱۵۸۷
 ۱۵۸۸
 ۱۵۸۹
 ۱۵۹۰
 ۱۵۹۱
 ۱۵۹۲
 ۱۵۹۳
 ۱۵۹۴
 ۱۵۹۵
 ۱۵۹۶
 ۱۵۹۷
 ۱۵۹۸
 ۱۵۹۹
 ۱۶۰۰
 ۱۶۰۱
 ۱۶۰۲
 ۱۶۰۳
 ۱۶۰۴
 ۱۶۰۵
 ۱۶۰۶
 ۱۶۰۷
 ۱۶۰۸
 ۱۶۰۹
 ۱۶۱۰
 ۱۶۱۱
 ۱۶۱۲
 ۱۶۱۳
 ۱۶۱۴
 ۱۶۱۵
 ۱۶۱۶
 ۱۶۱۷
 ۱۶۱۸
 ۱۶۱۹
 ۱۶۲۰
 ۱۶۲۱
 ۱۶۲۲
 ۱۶۲۳
 ۱۶۲۴
 ۱۶۲۵
 ۱۶۲۶
 ۱۶۲۷
 ۱۶۲۸
 ۱۶۲۹
 ۱۶۳۰
 ۱۶۳۱
 ۱۶۳۲
 ۱۶۳۳
 ۱۶۳۴
 ۱۶۳۵
 ۱۶۳۶
 ۱۶۳۷
 ۱۶۳۸
 ۱۶۳۹
 ۱۶۴۰
 ۱۶۴۱
 ۱۶۴۲
 ۱۶۴۳
 ۱۶۴۴
 ۱۶۴۵
 ۱۶۴۶
 ۱۶۴۷

فَقُولْ فَعُولٌ فَعُولٌ فَعُولٌ
مَخَاضٌ وَلَبُونٌ
الْقَطْعَةُ السَّابِعَةُ الْعَشْرُ فِي بَحْرِ خَفِيفٍ فِي سَمَاءٍ قَبِيلِ السَّابِ

أَيُّ كَمِ وَرَوِّحَتِ دَلِست
فَأَعْلَاشُنْ مَفَاعِلُنْ فَعِلَاشْ
الْقَطْعَةُ الثَّامِنَةُ الْعَشْرُ فِي بَحْرِ مَجْتَبِثِ نَفَاقِ الْفُلَانِ

زَهْمِيخِ تَوَزِدْ طَعْنَهْ بِمِدْ جَا
مَفَاعِلُنْ فَعِلَاشُنْ مَفَاعِلُنْ فَعِلَاشْ
زَهْمِيخِ جُتْهْ مَفَاعِلُنْ فَعِلَاشْ

مخاض و لبون
فعل فاعل
مخاض و لبون
فعل فاعل
مخاض و لبون
فعل فاعل

مخاض و لبون
فعل فاعل
مخاض و لبون
فعل فاعل
مخاض و لبون
فعل فاعل

مخاض و لبون
فعل فاعل
مخاض و لبون
فعل فاعل
مخاض و لبون
فعل فاعل

مخاض و لبون
فعل فاعل
مخاض و لبون
فعل فاعل
مخاض و لبون
فعل فاعل

مخاض و لبون
فعل فاعل
مخاض و لبون
فعل فاعل
مخاض و لبون
فعل فاعل

مخاض و لبون
فعل فاعل
مخاض و لبون
فعل فاعل
مخاض و لبون
فعل فاعل

مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا

وَصِدِّ اسْتَنْزِجْ نَحْمُزِ اِهْنِ عَلِ
نَحْمُزِ اسْتَنْزِجْ نَحْمُزِ اِهْنِ عَلِ

القطعة التاسعة العشر في سحر الرمل في وقت ان

ایست خورشید خسارت بخوبی شکاه ^{ایضا} در پناه سایه زلف تو مه آتیکاه

فَاعِلَانِ فَا عِلَانِ فَا عِلَانِ فَا عِلَانِ
خَيْرٌ بِجَرَمِ الْمُنِ بَيْتِ الْبَرِّ

۵۲ نہ فلک مستوی الجحراون کشتی
اخلاف زن اردہر کی بی اشتقا

فَضْلُهُ نَدَاهُ كَلْبِي مَسْهُومٌ مَحْضَمٌ

القطعة الثلثون في كحل الزنج المشتمل على

زیر این تخت بجای کل در باغ غنچه خندان قدرت سرور و انوار خلعت کمان

مفاعیلُ مفاعیلُ مفاعیلُ مفاعیلُ مفاعیلُ
 بدین مجرای قلب خوشی و کرمی

گفتا نه خضر زو می و ده راس

صبر کرم، کرم کرم، عجز کرم، کرم کرم

عالمی کتب خانہ

[illegible]

۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰

حاجو ایل و سومی مدرک رو طر این

شفا و صیف مشبهه متان و تان
اشبهه ۱۶۲

وَمَا يَكُنْ مِنْكُمْ أَحَدٌ بِغَيْرِ عِلْمٍ مِنْكُمْ

خز می سواونی ناکس ضنی غی بی ما

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عَدِّ رَحْمَتِهِ فَرَحَ خَائِفٍ قَلْبُهُ وَفَرَحَ

سفن بان کدرتہ خدر خمر شد

قطیف و واز و تکی خوشین

شرح شاد و مسرت لایان و فرح و

کتاب فی الجہان
کتاب فی الجہان

سَفِيلٌ وَخَفِيفٌ صِيَا حُرُوفٍ

بجای خود در میان ایشان
و از آنجا که این کتاب
در میان ایشان است
و از آنجا که این کتاب
در میان ایشان است

اسم ہارآمد خریف اسم خزان اللہ

ضم و ثمن دان جزا و خوف ترسید
۱۲

سرکش طبعی کا بل طریقی تازہ چمن

عَنْ يَحْيَى بْنِ طَلْحَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ

عشق و صلف و سبک دلی

و مکتبی پرہیزگار و عبصری نیکو

وَصَبَّحَ نَحْوَ الْوَلَمِ وَرَدُوهُ سُبُورَ
عَاقِبَتِ عَمَّانَ وَنَعْمَ

روشم و سخن و سخن و سخن

خرد گری فلز کانی سمجھناش

رحم و سارفت جلالنی و سارفت

بیت نخستین می کنند ۱۴
شماره نخل بنده را با ساسا
بنده ۱۴ شماره شصت و هشت
و در تصدیق ما

ع

عبدالله بن محمد بن علی بن ابی طالب

نموده فزون خود را
در دستم و خیر خود

و در دست و قلم
محمد بن ابراهیم
عبدالله بن ابراهیم

عبدالغفور صاحب

الحق يا بنده كفوتم

لو كان بضم
او ای که بعضی
منه انا که از

سنتا اے کہ جو عاقل و متین

فصل هجدهم در بیان فضیلت و جلال حضرت زین العابدین علیه السلام

سبب از سر سبب

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

تَمَنَّا خِيَارَ دِلْسِ قُحْنَدِ جَزَرِ كَرَزِ
 نَفْعَ بُونِه پُورِه اَمَاتِ مَشَاخَرِ
 زَمِي لِبَاسِ شُوشِ جِلْدِ وَجْهِ
 بَابِ جَبَّارِ دُورِ بَرِ مَشْرِ
 الْقِطْعَةُ الثَّالِثَةُ وَالْثَلَاثُونَ فِي سَجَرِ خَفِيفِ الْمَسَدِ الْمَحْدُو

ای خط شک شک تازی ذوق سحر خفیف گرداری

فَاعِلَاتُنْ مُفَاعِلُنْ فَعِلُنْ لُوی چون بلبان کلزار

نَصْرُ وَعَوْنُ مِنْطَابِ تَارِ نَصْرُ و عَوْنُ و منطاب تازی

مَنْظُومٌ وَدَاجٌ وَدَمْرٌ هَمْزِ مَنْظُوم و داج و دمّر همزی

ذُلُّ ذُلَّتِ هَوَانٌ هَوْنٌ خَوَارِ ذُل و ذُلَّت و هَوَان و هَوْن و خَوَار

اِسْتِیْكَانٌ تَضَرُّعٌ زَارِ اِسْتِیْكَان و تَضَرُّع و زَار

ذَمِّ و اَهْلِ دَمْنِ زَنَهَارِ ذَمِّ و اَهْل و دَمْن و زَنَهَار

۱۱
 ۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰

یاس خیران قنوط نویسد
چون تعطل بطلایه بیکاری
قوی کیمی قضا عسکری
خرقه پیشه حریمت
ضرب و جلد است عصو میرود
شکی از مایه و هب باری
القطعة الرابعة الثلثون فی بحر المنج المثنی السالم
زنی ن ده ازل لاله ویت عبا
شده دیوانه زنجیر رفت عقل سودا
مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن
بحران این قطعه بحر منج می
وقوف حدس شعر علم اوقه هم با
غمار و سکت این نویسنده عله و
القطعة الخامسة الثلثون فی بحر المنج المثنی السالم
لیان کن غطا شوش فضیلت
مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن
بحران این قطعه بحر منج می
وقوف حدس شعر علم اوقه هم با
غمار و سکت این نویسنده عله و

یاس خیران قنوط نویسد
چون تعطل بطلایه بیکاری
قوی کیمی قضا عسکری
خرقه پیشه حریمت
ضرب و جلد است عصو میرود
شکی از مایه و هب باری
القطعة الرابعة الثلثون فی بحر المنج المثنی السالم
زنی ن ده ازل لاله ویت عبا
شده دیوانه زنجیر رفت عقل سودا
مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن
بحران این قطعه بحر منج می
وقوف حدس شعر علم اوقه هم با
غمار و سکت این نویسنده عله و
القطعة الخامسة الثلثون فی بحر المنج المثنی السالم
لیان کن غطا شوش فضیلت
مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن
بحران این قطعه بحر منج می
وقوف حدس شعر علم اوقه هم با
غمار و سکت این نویسنده عله و

یاس خیران قنوط نویسد
چون تعطل بطلایه بیکاری
قوی کیمی قضا عسکری
خرقه پیشه حریمت
ضرب و جلد است عصو میرود
شکی از مایه و هب باری
القطعة الرابعة الثلثون فی بحر المنج المثنی السالم
زنی ن ده ازل لاله ویت عبا
شده دیوانه زنجیر رفت عقل سودا
مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن
بحران این قطعه بحر منج می
وقوف حدس شعر علم اوقه هم با
غمار و سکت این نویسنده عله و
القطعة الخامسة الثلثون فی بحر المنج المثنی السالم
لیان کن غطا شوش فضیلت
مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن
بحران این قطعه بحر منج می
وقوف حدس شعر علم اوقه هم با
غمار و سکت این نویسنده عله و

ای مشک رقم زد بر صفحه پسته ۳۳

بست از زهر و بست ل یا کلشکر

مفعول فاعلش مفعول فاعلش

بجر مضارع آمده این بحر که

از قیل و شفره مخدای شکوه دان

یون لا دایت ضدش و شکاف

خسته زنجیر و خرسین ملک می

تسجین و قفس کفش و نیا چون بنابر

شکرست و فوج و خرس کلان

عقیل و دانش قنبر و شت و آفر

خصیبت عایه عانه زگارست شوره

شعره مغال یسینه راعه تار سر

کابوس این کاجیه مضاعف طوئید

جاثوم شد متد و و شاک بود

سناج و منجم و جده و قصده راق

ورد و شربت عطن و مود و جواز

زق خیک و نجی مشک و قرع حصار

شن مشک کهنده باشد و صرام حرم

قد آن نیاد و سوسنه و جوجین

مسحاة بل و مسحه ماله و سلع تبر

مسوا و نجه نقله و بست و مکنند

باشند شروف زین و اگا و زرگر

سکه و سکه و سکه و سکه و سکه

سکه و سکه و سکه و سکه و سکه

سکه و سکه و سکه و سکه و سکه

سکه و سکه و سکه و سکه و سکه

شادون خوش غزال است شادون
 کلبه بان بهشت گلزار
 خیرتون شعله خور و پیش شهر
 جذم مبنان اساس اصل
 پنج چشم خوش نیال نزل سحر
 چون سراط است باله مستقر
 القطعة الثامنة الثلثون في بحر المضارع المثمن المقصود

ای بده مهر از مهر روی تو شعله
 مفعول فاعلات متاعیل فاعلات
 خارج بر دین جمیع نور مخلوقه
 داخل درون طبق وضو ضامن
 چون کحل کاک و صحن کجایان
 ای بده مهر از مهر روی تو شعله

شادون خوش غزال است شادون
 کلبه بان بهشت گلزار
 خیرتون شعله خور و پیش شهر
 جذم مبنان اساس اصل
 پنج چشم خوش نیال نزل سحر
 چون سراط است باله مستقر
 القطعة الثامنة الثلثون في بحر المضارع المثمن المقصود

شادون خوش غزال است شادون
 کلبه بان بهشت گلزار
 خیرتون شعله خور و پیش شهر
 جذم مبنان اساس اصل
 پنج چشم خوش نیال نزل سحر
 چون سراط است باله مستقر
 القطعة الثامنة الثلثون في بحر المضارع المثمن المقصود

مطالع علی فیما ان منافع علی فعلن

از کیه تخت و انبار و ان جوی و ویا
میزاب کو از ان رن و رن و صبا

غیر چه گوای بدشت و قطره کل

حباب گوئی که باشد قراح آب

سایه سبک فسان و سبک

نصف چه باشد سبک است سبک

عصیر شیره ماغون کون و خست

نقره نوده ملاط است گلستان و خست

بنیق بانک حمار و حمار بانک

نعب بانک کلان و طنین بانک

بهر محبت این نظم خوان بصر

جری لیر و مرض سنگی عرض کالا

تقدیر کیم و میش و خضار و ان

تعمیق رفت و دهر جوی و ل عطا

نقیض اگرد و رنطقن سبک

رخام سنگ تسوئیک سنگ استنجا

له سنگ سرمه طاحونه اعدت و جا

سایع کاگل است و صعوسه مال

ایام خرد راز و راز و ان بنا

صهیل بانک س صلفیل است بانک

نجاح بانک سک و بانک کک حیت

Handwritten marginal notes in Persian script, including commentary and additional verses, written in various directions around the main text.

[illegible]

و ان نظایر اینست که هر بنی طبع تو در ج در لهر
 و ان نظایر اینست که هر بنی طبع تو در ج در لهر
 و ان نظایر اینست که هر بنی طبع تو در ج در لهر

[illegible]

القطعة الحادية الاربعون في بحر تخفيف الهمم

مجمع حسن ناز و عشوه ترازو رشک جانان عالم ایجاد

فَاعِلَاثُنْ مُفَاعِلُنْ فَعِلُنْ
ثُنْ بِهَجْر خَفِيفٌ دَلْ رِثَا

نوعهای لغت زمين بنفشه
اولا اصل است محو عا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمُكَ اللَّهُمَّ وَطَائِفُ بَارِئُ الْحَيَاتِ مِنْ أَسْتَاوِ

[illegible]

محببتش اس صبح و لوق
محببتش اس صبح و لوق

وز معجم شخی و کسوت و فرف
وز معجم شخی و کسوت و فرف

نیل و شفق فرو و یفت دمای
نیل و شفق فرو و یفت دمای

شکر جابیه ست عین جالانک
شکر جابیه ست عین جالانک

مختلف در میان عرب و عجم
مختلف در میان عرب و عجم

عسل و برد و حقیقت دان
عسل و برد و حقیقت دان

ملیک و قفس و بروج است یاد
ملیک و قفس و بروج است یاد

عدال و بغض و دوام و استعداد
عدال و بغض و دوام و استعداد

قر و ظن و بیخ و خضیه از اضداد
قر و ظن و بیخ و خضیه از اضداد

مرا و ف جان و قلب و قواد
مرا و ف جان و قلب و قواد

جزر و جوز و طاس و طست افیاد
جزر و جوز و طاس و طست افیاد

ارمی و قمر و مجاز و دان سدا
ارمی و قمر و مجاز و دان سدا

القطعه الثانیة الاربعون فی بحر خفیف المسدس المحذوف
القطعه الثانیة الاربعون فی بحر خفیف المسدس المحذوف

ای قدت سرو کل رخ رعنا
ای قدت سرو کل رخ رعنا

فَاعِلًا ثَنُ مَفَاعِلُنْ فَعْلُنْ
فَاعِلًا ثَنُ مَفَاعِلُنْ فَعْلُنْ

فرخ و رجه بقیه محمدا
فرخ و رجه بقیه محمدا

معمان است و ف و حرکما
معمان است و ف و حرکما

زهر رات و زهر رات و زهر رات
زهر رات و زهر رات و زهر رات

محببتش اس صبح و لوق
محببتش اس صبح و لوق
وز معجم شخی و کسوت و فرف
وز معجم شخی و کسوت و فرف
نیل و شفق فرو و یفت دمای
نیل و شفق فرو و یفت دمای
شکر جابیه ست عین جالانک
شکر جابیه ست عین جالانک
مختلف در میان عرب و عجم
مختلف در میان عرب و عجم
عسل و برد و حقیقت دان
عسل و برد و حقیقت دان
القطعه الثانیة الاربعون فی بحر خفیف المسدس المحذوف
القطعه الثانیة الاربعون فی بحر خفیف المسدس المحذوف
ای قدت سرو کل رخ رعنا
ای قدت سرو کل رخ رعنا
فَاعِلًا ثَنُ مَفَاعِلُنْ فَعْلُنْ
فَاعِلًا ثَنُ مَفَاعِلُنْ فَعْلُنْ
فرخ و رجه بقیه محمدا
فرخ و رجه بقیه محمدا
معمان است و ف و حرکما
معمان است و ف و حرکما
زهر رات و زهر رات و زهر رات
زهر رات و زهر رات و زهر رات

عجلی که ساله و لیکن محض و زنجیر کرده
عجلی که ساله و لیکن محض و زنجیر کرده

چون کاف است و کاف است و کاف است
چون کاف است و کاف است و کاف است

عجلی که ساله و لیکن محض و زنجیر کرده
عجلی که ساله و لیکن محض و زنجیر کرده

رموز حروف	
ع	ن
س	فارسی
ت	سیستانی
ب	زبان خمسه
ق	نرنگی
م	برایست
سب	لغات
ر	مضر
خ	مرب
ش	ربح
ص	خریف
ه	شتا
ج	صیف
	هسته
	جمع

چون کتاب نصاب ضعیفان برای تعلیم مبتدیان بسیار نافع بود بنابراین در حل لغات تسهیل الفاظ و کلمات
لغت مثل قاموس و صحاح و منتخب اللغات و توفیر الفضل و تدارک الاغصان و کلمات اللغات
و فرهنگ جهانگیری و فرهنگ شیدی و برهان قاطع و غیر آن بشرح نصاب اند و ولی است
و قفسانی و غیره رجوع کرده بحسن تحقیقات بانی مبانی الفروع و الاصول ناشر اردیه
المعقول المنقول مورد تائیدات ازلی عالم علوم خفی و علی مولوی انور علی صابیه
عن شکر غمی و غوی و بقیع جاد و رسم سرد قمر جریده زمان عطار و العصر الدور ان شای
عبدالحی باهتام حاجی محمد حسین صانه اسد عن کل شین متصل کثره رانی در کتب شایسته
بسبب غبت اخوان دوباره برزبر طبع محلی گردید و از شرح ولی و شت بیاضی شایسته
لغات نیز که خالی از فائز نبود داخل کتاب کرده آمد و تکمیل صحت تحقیق معانی بعضی لغات
عمومیه اعلی که در خواصی فرد که داشت شده بود درین کتاب مرعی شده امید از نظر این
آنکه اگر جالبی بهود خطایش که خاصه بشری است برسد بزرگ عفو حک ساخته با صلاح کنند
درباری اعجاز و اختصار این کتاب رموزی که مصنف بحدوف نوشته بود در جدول
ازین نشان داده شده تا آسانی دریافت شود بعون اسد و توفیق قطع باند ساها
این نظم و ترتیب زما هر زره خاک افند بجائی غرض نقشی است گزایا دماند
که هستی را نمی بینم بغائی مکر صاحب دلی روزی حجت کند در حق این سکین دحالی

